

# مالزی در پنجاه سال آینده: کندوکاوی با بهره‌گیری از روش آینده‌های بدیل\*

ترجمه‌ی: سید علیرضا حجازی

این ترجمه ی مقاله ای است با عنوان:

The Next 50 Years for Malaysia: An Inquiry Using Alternative Futures Methods

## چکیده

آگاهی از این که در حقیقت، مالزی در پنجاه سال آینده چه می‌خواهد، نیازمند آینده‌اندیشی<sup>۱</sup> است. در حالی که دوازدهمین انتخابات عمومی آرمان‌ها و آرزوهای مردم این کشور را نمایان ساخت، اما یک آینده‌پژوه می‌تواند پیش‌بینی‌های تغییر<sup>۲</sup> در آینده را این گونه در نظر بگیرد: الگوی ائتلاف ملی در اداره‌ی کشور دیگر پذیرفتنی نخواهد بود، نظام سلطنتی در حال باز اظهاری خویش است، رسانه‌های بدیل جذابیت بیشتری می‌یابند، توزیع ثروت بر پایه‌ی اصل همه برای یکی، یکی برای همه استوار خواهد بود و هویت کشور در افق این چشم‌انداز به صورت جهانی در نظر گرفته شده است. بر این پایه، می‌توانیم این روندها<sup>۳</sup> را پیش‌بینی کنیم: خیزش نیروی اسلام، ائتلاف کارگران خارجی به مثابه گروه مخالف دولت، روابط ویژه‌ی چین با مالزی و نقطه‌ی اوج تازه‌ای از قدرت میان برونئی، سنگاپور و بانکوک که همگی بر اقتصاد آینده‌ی مالزی تاثیر خواهند گذاشت. می‌توان بر این پایه چند سناریوی آینده‌ی بدیل را پیشنهاد کرد.

کلید واژه: آینده‌های بدیل<sup>۴</sup>، آینده‌اندیشی، مالزی، نیازها، چشمداشت‌ها

## ۱- مقدمه

\* کریم اظهري، دانشگاه سینز مالزی، نشریه مطالعات آینده، نوامبر ۲۰۰۸، ۱۳(۲)، صص ۴۳-۵۶

<sup>1</sup> future thinking

<sup>2</sup> drivers of change

<sup>3</sup> trends

<sup>4</sup> alternative futures



این مقاله چندین ایده را پیرامون آینده‌ی مالزی در پنجاه سال آینده مطرح می‌سازد. نوشتار حاضر آینده‌ی این کشور را از دیدگاه آینده‌اندیشی واکاوی خواهد کرد. به این منظور، چندین روش، از جمله تحلیل موضوعات در حال ظهور، تحلیل علی - لایه‌ای<sup>۱</sup> و گذشته‌نگری<sup>۲</sup> را به کار می‌گیرد که هسته‌ی اصلی آینده‌اندیشی را شکل می‌دهند. هدف اصلی مقاله، زمینه‌سازی انتخابات عمومی دوازدهم است که به تازگی به فرجام رسید و پرسش‌هایی را درباره‌ی جهت‌گیری‌های راهبردی کشور در سال ۲۰۵۷ مطرح ساخت، زیرا در این سال مالزی یکصدمین سال استقلال خود را جشن خواهد گرفت. بر این پایه، تمرکز اصلی مقاله بر آگاهی یافتن از این موضوع استوار است که مالزیایی‌ها برای آینده‌ی خود و کشور خود چه چیزی می‌خواهند؟

مقاله به بخش‌های گوناگونی تقسیم شده است. پس از بخش نخست یا مقدمه، کوشش‌های پیشین برای ترسیم روایت‌های گوناگون از آینده‌ی مالزی در بخش دوم بررسی خواهد شد. پس از آن، در بخش سوم تکامل روش‌های به کار رفته و برخی نتایج کارکردهای گوناگون که در مقاله از آن‌ها بهره‌برداری شده است، مرور خواهد شد. بخش چهارم دامنه‌ای از یافته‌ها درباره‌ی آینده را در کانون توجه قرار داده است که از راه تجربیات گذشته و تعیین نیازهای عمومی شهروندان مالزی - آن گونه که در تجربیات پیشین بازتاب یافته است - گردآوری شده‌اند. یک الگوی تحلیل برای این مبحث ارائه شده است. بخش‌های چهار و پنج جنبه‌هایی از آینده را به شیوه‌ای مشروح‌تر بررسی کرده و از الگوهای اصلی پیش‌گفته، یعنی پیشران تغییر، روندها و موضوعات در حال ظهور بهره‌گرفته‌اند، و روی هم رفته، سناریوهایی از آینده‌های بدیل را برای سال ۲۰۵۷ مطرح می‌سازند. نتیجه‌گیری مقاله بخش‌های گوناگون را یکپارچه خواهد ساخت و با برخی از سرخط‌های خبری پایان می‌گیرد که چشم‌اندازی از مالزی پنجاه سال آینده را ترسیم می‌کند؛ همان چشم‌اندازی که از دیدگاه شهروندان مالزی نیز واقعیت آینده به شمار می‌آید.

## ۲- تجربیات پیشین در آفرینش آینده‌های بدیل

پیشنهاد نگارنده این است که تمرکز خود را بر چهار گام در مالزی متمرکز سازیم که در ارتباط با نگاه به آینده‌های بدیل کشور رخ نموده است. این گام‌ها طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۸ برداشته شده‌اند. من شخصاً تنها درگیر دو مورد از آن‌ها بودم.

<sup>1</sup> Casual-layered Analysis

<sup>2</sup> Back-casting



## ۱-۲. تجربه سال ۱۹۷۵. نگاه به مالزی سال ۲۰۰۱

در سال ۱۹۵۷ بنیاد سید کچیک<sup>۱</sup> مجموعه‌ای از کارگاه‌های آینده‌پژوهی را برای تمرکز بر موضوع مالزی در سال ۲۰۰۱ سازمان داد. بر پایه‌ی آن چه که در پیش‌گفتار مجموعه مقالات این کارگاه و کنفرانس آمده است (راس - لارسن<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸، ص ۸۶)، شش ماه پیش از کنفرانس بین‌المللی که در کوالالامپور برگزار شد، کارگاه‌های پایان هفته‌ای در سراسر کشور، از جمله در شهرهای پنانگ، مالاکا، کوآلاترنگانو، کوتاکینابالو، کوچینگ و کوالالامپور برگزار شد. هر یک از این کارگاه‌ها حدود ۴۰ نفر از کارشناسان مالزی را گرد هم آورد، کسانی که برای فرزندان و نوه‌های خود بر آینده‌ی کشور تمرکز کرده بودند. مجموعه مقالات این کارگاه‌ها در یک کنفرانس بین‌المللی با حضور یکصد نفر شرکت کننده از مالزی و دیگر کشورها ارائه شد. در میان این شرکت کنندگان افرادی مانند رابرت جانگ<sup>۳</sup>، جیمز دیتور<sup>۴</sup>، آرتور سی کلارک<sup>۵</sup>، هرمان کان<sup>۶</sup> و آر باک<sup>۷</sup> منیستر فولر و چندین مدعو خارجی، سخنرانی‌هایی را ارائه دادند که هدف آن‌ها، گسترش آینده اندیشی در میان مشارکت کنندگان مالزیایی بود. در میان این سخنرانی‌ها، مطالبی با جهت‌گیری بومی مطرح شد، البته بیشتر سخنرانی‌ها دیدگاهی جهانی داشتند. هیچ طرفدار محیط زیست یا سخنگوی آخرالزمانی در این نشست حاضر نبود، و در میان مطالب مطرح شده، اثری از تروریست‌های دومینویی نبود که بتواند گرایش مالزیایی‌ها به آینده را در دایره‌ی تاثیر خود قرار دهند. (راس - لارسن، ۱۹۷۸، ص ۷).

راس و لارسن به این نتیجه رسیدند که نشست به میزان چشم‌گیری به اهداف خود نرسید که دلیل آن، دشواری‌های رویارویی با موضوعات پیچیده‌ی آینده بود، زیرا عادت دیرینه، بر پایه‌ی توجه به گذشته شکل گرفته بود و در بهترین شکل، تنها به حال و آینده‌ی نزدیک توجه می‌کرد و کمتر به آینده‌ی دور دست اعتنا می‌شد.

برآیند این رویداد آن بود که مالزیایی‌ها بی‌درنگ نظام موجود را به باد انتقاد گرفتند، اما درباره‌ی این که چه کاری می‌توان برای آینده انجام داد، سخنی در میان نبود. با وجود این، دیدگاه‌های آن‌ها را می‌توان این گونه جمع‌بندی کرد: ارزش‌ها - در این بخش بر اقتصاد تاکید شد. همگان خواستار اطمینان از آن بودند که سهم آن‌ها از اقتصاد همواره و حتا در سال ۲۰۰۱ محفوظ باقی خواهد ماند. بر این قیاس، سیاست اقتصادی نوین را حرکت مناسبی از

<sup>1</sup> Syed Kechik

<sup>2</sup> Ross-Larson

<sup>3</sup> Robert Jung

<sup>4</sup> James Dator

<sup>5</sup> Arthur C. Clarke

<sup>6</sup> Herman Kahn

<sup>7</sup> R. Buck Minster Fuller



سوی دولت دانستند. بر این پایه، مجموع ارزش‌های آن‌ها از منظر دیدگاه‌ایشان نسبت به یکدیگر و دیگران، در ترکیبی چند نژادی در کشور قابل جمع‌بندی خواهد بود.

**بی‌نظمی اجتماعی** - عامل نگرانی نهایی برای بیشتر شرکت‌کنندگان مقوله‌ای بود که ممکن است در روز ۱۳ ماه می سال آینده روی دهد. این تاریخ اشاره به نگران‌کننده‌ترین موضوع، یعنی فرقه‌گرایی بود که هنوز یکی از حساس‌ترین مسایل به شمار می‌آید و در آینده نیز می‌تواند سرچشمه‌ی تنش‌های بیشتر باشد. بخشی از این مساله بر پایه‌ی آن چه که در مقدمه‌ی کتاب راس - لارسن آمده است، مسایل سیاسی و اقتصادی است که این دو نویسنده به میزان کافی به آن‌ها اشاره کرده‌اند. با وجود این، در عرصه‌ی اجتماعی هنوز کارهای مهم بسیاری برای انجام باقی مانده است. مشارکت‌کنندگان احساس کردند که آموزش می‌تواند کلید رهایی کشور از بحران اجتماعی باشد (راس - لارسن، ۱۹۷۸، ص ۲۰).

**سیاسی** - موضوع مهم روز در ارتباط با ویژگی‌های دولت است و این که آیا مناسب‌تر آن است که دولت دموکراتیک باشد و یا خودکامه. برقراری نوعی توازن میان قدرت سیاسی مالزی و قدرت اقتصادی چین ضروری است. چه بسا در شرایطی ویژه، قدرت اقتصادی مالزی از قدرت سیاسی چین پیشی بگیرد.

**اقتصاد** - نوعی توافق همگانی پیرامون این باور شکل گرفت که تعادل میان چشمداشت مردم و تحقق این چشمداشت از سوی دولت باید به شیوه‌ای مناسب تنظیم شود. فراتر از تمامی این‌ها، موضوع کیفیت در برابر کمیت مقوله‌ی دیگری است که باید رسیدگی شود.

در مجموع، بحث موجود به دنبال حل برخی از مسایل بود که انتظار می‌رفت در سال ۲۰۰۱ شکل بگیرد. مالزیایی‌ها می‌بایست به تقویت اقتصاد و بهبود کیفیت آموزش اهتمام ورزند و خود را برای رویارویی با تغییر آماده سازند.

۲-۲. تجربه‌ی سال ۱۹۹۴، نگاه به چشم‌اندازهای آینده برای آسیای جنوب شرقی: برخی از سیگنال‌های

### اولیه هشدار

نشستی به کوشش موسسه‌ی سیاست پژوهشی<sup>۱</sup> کوآلامپور و فدراسیون آینده‌پژوهی جهان<sup>۲</sup> ترتیب داده شده بود که در شهر پنانگ برگزار شد تا آینده‌پژوهی به شهروندان مالزیایی معرفی شود و آینده‌های بدیل برای آسیای جنوب شرقی، و به طور مشخص، مالزی تصویر شود. بر پایه گزارش (عنایت‌الله، ۱۹۹۵) این نشست چندین هدف را

<sup>1</sup> Institute for Policy Research

<sup>2</sup> World Futures Studies Federation (WFSF)



پی گیری می کرد: آفرینش چشم اندازهای بدیل از آینده؛ رسیدگی به موضوعاتی که می تواند به گونه ای چشمگیر محیط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را دستخوش تغییر سازد و بر سر چشم اندازهای مرجح آینده توافق همگانی را گسترش دهد.

در این نشست، شخصیت هایی مانند ضیاء الدین سردار، سهیل عنایت الله و تونی استیونسون<sup>1</sup> سخنرانی کردند که همگی به نوبه ی خود، آینده پژوهان برجسته ای به شمار می آیند. شرکت کنندگان در این نشست درباره ی طیف گسترده ای از موضوعات به گفت و گو نشستند، از جمله می توان به این مقوله ها اشاره کرد: مساله ی توسعه، پیدایش مصرف گرایی، تجزیه ی ساختار سنتی اجتماع، قطبی شدن جامعه بر اثر بنیادگرایی دینی، نقش چشمگیر مالزی در امور منطقه ای و بین المللی، کمبود نیروی کار ماهر، تفریح و اوقات فراغت بیش از اندازه، جریان بیشتر اطلاعات، مهاجرت غیرقانونی، افزایش فرقه گرایی، افزایش استفاده ی نادرست از کودکان، خشونت و فروپاشی خانواده، هرزنگاری، بیماری های نوین، مسایل زیست محیطی، مسایل شهری، تفکرات انتقادی فزاینده درباره ی وفاداری، پیدایش نسلی از کارآفرینان مالزیایی و گرایش های تازه به آیین اسلام.

گزارش ها گویای آن است که شرکت کنندگان در فرایند چشم اندازسازی به آینده خوش بین بوده اند. آن ها مالزی را در سال ۲۰۲۰ کشوری می دیدند که از نظر فرهنگی به خوبی یکپارچه شده بود و این یکپارچگی را در حوزه های اقتصادی و سیاسی نیز در سطح منطقه نشان داده بود.

در پایان کارگاه ها سه سناریوی متفاوت تدوین شد:

۱- **سناریوی وضعیت موجود** که در چارچوب آن هر آن چه اینک موجود است، در آینده با حجم بیشتری وجود خواهد داشت؛

۲- **سناریوی فروپاشی** که بر گرفته از سناریوی نخست بود و به مصیبت می انجامید؛ و

۳- **سناریوی دگرگونی** که بر پایه ی این گمانه شکل گرفته بود که تغییرات اجتماعی - اخلاقی، فناورانه و روحانی بنیادینی در راه است.

مشارکت کنندگان به طور عموم علاقه ی خود را به پیگیری توسعه ی اقتصادی مصرف کننده - مدار ابراز کردند و علاقمند بودند که فناوری و (نه سیاست) هدایت همکاری منطقه ای را بر عهده بگیرد.

۲-۳. تجربه سال ۲۰۰۵. نگاه به ساخت سناریوهای آموزش عالی آینده

<sup>1</sup> Tony Steverson



این فعالیت به کوشش دانشگاه سینز مالزی<sup>۱</sup> در شهر پنانگ به عنوان بخشی از تلاش‌های پیوسته‌ی این دانشگاه برای نوآوری در زمینه‌ی آینده‌ی آموزش عالی برای مالزی آغاز شد. این پروژه در دانشگاه یاد شده با کارگاهی آغاز شد که در ژوئن ۲۰۰۵ برای نگاشت آموزش عالی، پیش‌نگری رویدادها و روندها، کشف تاثیر روندها و رویدادها، ژرفا بخشی درک آینده‌ی آموزش عالی در کشور و ایجاد سناریوهای آینده‌ی دانشگاه سینز و چشم‌انداز آفرینی برای چنین آینده‌ای برگزار شد (دانشگاه سینز مالزی، سال ۲۰۰۷، ص ۱۱). پس از این کارگاه مجموعه‌ای از سمینارها و دیگر کارگاه‌ها در طول سال برگزار شد و در پایان به برگزاری کارگاه مهمی با عنوان: «آینده آفرینی برای دانشگاه سینز مالزی: گذشته‌نگری<sup>۲</sup> و چشم‌انداز سازی سناریوها» انجامید. در این کارگاه پنج سناریوی متفاوت آینده آموزش عالی در سال ۲۰۲۵ طراحی شد. این سناریوها تصاویر بدیلی از آینده‌ی دانشگاه‌ها را به نمایش گذاشتند و به این ترتیب نام‌گذاری شدند:

- دانشگاه آلاکارت<sup>۳</sup> (سفارشی)
- دانشگاه نامریی
- دانشگاه مشترک
- دانشگاه دولتی (ایالتی)
- دانشگاهی در باغ<sup>۴</sup>

دانشگاه در راستای تلاش‌های یاد شده، پیمایش‌هایی را برای جلب نظر ذی‌نفعان اصلی به انجام رساند و بر این پایه، سناریوهای گوناگونی را در میان جامعه‌ی دانشگاهی در نظر گرفت. این فعالیت با راه‌اندازی پایگاهی اینترنتی همراهی شد که هدف آن، دستیابی به مخاطبان بیشتری بود که با طرح بازخوردهایی از تمامی سطوح جامعه‌ی دانشگاهی پیرامون این سناریوها، اظهارنظر می‌کردند (دانشگاه سایوس مالزی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷، ص ۱۲).

آن چه که در پایان فرایند کارگاه‌ها و چشم‌اندازسازی برای دانشگاه آینده‌روشن شد، این باور بود که تحقق هریک از این سناریوها در آینده به جهت‌گیری‌ها و گزینش‌هایی بستگی خواهد داشت که از سوی وزارت آموزش عالی و دیگر نهادهای دست‌اندرکار در کشور پیشه خواهد شد. در چنین وضعیتی، هنگامی که بخش‌هایی از مسیر آینده‌ی اقدام بیرون از اختیار دانشگاه هستند (همان‌گونه که در موردی پیش گفته، این گونه بود)، در آن صورت، باید بر طرح این

---

<sup>1</sup> University Sains Malaysia (USM)

<sup>2</sup> back-casting

<sup>3</sup> The A-la-Carte University

<sup>4</sup> The University in a Garden

<sup>5</sup> University Sains Malaysia



پرسش متمرکز شد که آیا چنین اقدامی در وهله‌ی نخست می‌تواند کارساز باشد؟ پس از آن باید درباره‌ی رهبری اقدام نیز پرسشی را مطرح ساخت و پاسخ آن را یافت. در این اقدام، رهبری دانشگاه احساس کرد که متقاعد شده است چیزی در روش‌شناسی آینده وجود دارد که می‌تواند به برنامه‌ریزان دانشگاه در تفکر راهبردی و برنامه‌ریزی کمک کند و نیز این که به فرایند عادی برنامه‌ریزی راهبردی به اندازه‌ی کافی توجه نشده است. در کارکردی که به آن اشاره شد، به طور کلی، اقدام به ادامه‌ی فرایند و تفکر پیرامون آینده‌ی دانشگاه‌ها و به طور ویژه برای خود دانشگاه سینز برای تاکید بر این موضوع کافی بود که ارزش‌ها و توانمندسازها هر آن چه که باشند، برای افزایش تاکید رهبری دانشگاه بر آن چه که باید برای کسب جایگاه نخست از سوی دانشگاه سنیز در کشور و فراتر از آن انجام گیرد؛ دسترس‌پذیر خواهند بود. تلاش برای بررسی و انحصاری سازی تمامی پیشران‌های تغییر در آینده، جامعه‌ی دانشگاهی را قادر ساخت شکاف‌های موجود در دانش خود پیرامون چگونگی کارکرد دانشگاه‌های آینده را باور کند. در حقیقت، این کارکرد در نگاه به آینده تمامی احتمالاتی را به آزمون گذاشت که از نظر مداخله‌ی یک روش‌شناسی پر اهمیت بود.

#### ۲-۴. تجربه‌ی سال ۲۰۰۸ در نگاه به آینده‌ی دانش و فناوری

کارگاهی که به کوشش موسسه‌ی آینده مستقر در پالوآلتو در ایالت کالیفرنیا برگزار شد شاهد تجربه‌ی مشابهی بود. موضوع این کارگاه نگاشت درونمایه و پویایی نوآوری جهانی در قلمرو دانش و فناوری بود و مالزی را به مثابه کانون گسترش نوآوری علمی منطقه در افق‌های آینده در نظر گرفته بود. این کارکرد بنیان‌های تازه‌ای را ترسیم می‌کرد که در پرتو آن، تصمیم‌سازان و جامعه‌ی دانش و فناوری نیز مانند توده‌ی عموم مردم می‌توانستند درک روشن‌تری از روندهای نوآوری جهانی و دسترسی به پایگاه منبع باز خرد جمعی در حوزه‌ی دانش و فناوری داشته باشند (موسسه‌ی آینده، ۲۰۰۷، ص ۱).

کوشش‌های موسسه‌ی آینده پس از سلسله مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی در عرصه‌ی سامانه‌های گروه‌افزاری، پژوهش و توسعه، آموزش، انتشار و ارتباط علمی در میان خوشه‌های علمی و پژوهشی انجام گرفت. مجموعه‌های مالزیایی در پنانگ و شاه‌عالم<sup>۱</sup> بر موضوعاتی متمرکز شدند که دربردارنده‌ی مقوله‌هایی از این دست بود: آینده‌ی دانش، ایده،

---

<sup>1</sup> Shah Alam



نوآوری و چالش‌های آن، شناسایی روندها، آینده‌ی کارکرد علمی و جغرافیایی نوین دانش. پانل‌های این حوزه به سناریوهایی برای آینده‌ی دانش در مالزی در سال ۲۰۲۰ دست یافتند.

در این فرایند، برخی گزینه‌های مشترک در روندهای مهم شناسایی شدند: درک بهتر طبیعت، درمان سرطان، نانو فناوری، نوروهای مصنوعی و مدیریت منابع طبیعی. دو نشست پیاپی و جذاب پیامدهای کم و بیش همسانی داشتند: موضوع‌هایی مانند مقوله‌ی سالخوردگی، پایداری، ارزش‌ها و اخلاق. به تعبیری روشن‌تر، این نشست‌ها شرکت‌کنندگان را به سوی حوزه‌ی موضوعی، یعنی چگونگی سازماندهی علمی دانش و نگهداری آن به سود جامعه هدایت کرد. ارتباط این دو با مالزی در قالب برپایی جامعه‌ای دانش‌بنیان و فناوری محور به نوبه‌ی خود، به عنوان یکی از چالش‌ها در مسیر تحقق چشم‌انداز ۲۰۲۰ مطرح بوده است (واواسان، ۲۰۲۰).

### ۳- ارزیابی روش‌های به کار رفته و پیامدهای آن بر دستاوردها و بروندها

بروندها و دستاوردهای حاصل از تجارب پیش گفته، بسته به روش‌های به کار رفته، تفاوت‌های بسیاری را نشان دادند. این مساله پیامدهایی را برای کامیابی کارکردهای گوناگون در ترسیم نقشه‌ای خواهد داشت که در حقیقت مالزیایی‌ها از آینده در اندیشه می‌پروراند.

در فعالیت ۲/۱ آماده سازی فهرست آمال و چشمداشت‌های مردم مالزی در آینده با کاستی‌هایی رو به رو شد. این کاستی می‌تواند برخاسته از این واقعیت باشد که مشارکت‌کنندگان بیش از اندازه به زمان حال پرداخته‌اند؛ آن‌ها تنها سرگرم کاتالوگ‌سازی از «اشتباهات» زمان حال بودند و به آن چه که می‌توان به گونه‌ای درست برای آینده انجام داد، توجهی نداشتند (راس - لارسن، ۱۹۷۸، ص ۷). بخشی از این وضعیت قابل پیش‌بینی بود، زیرا زمان اندکی به طراحی و تدوین فرایندها یا روش‌های آینده‌اندیشی اختصاص یافته بود. در مقابل، فرصت کافی به مشارکت‌کنندگان فرصت کافی برای ذهن‌انگیزی پیرامون آینده داده شده بود و سپس سخنرانان مدعو، سخنان خود را مطرح ساختند که به جنبه‌های مشخصی از آینده پرداخته بود و تمامی این سخنان بی‌کم و کاست به مالزی اختصاص نداشت.

دستاوردهای مشابهی را می‌توان برای فعالیت ۲/۲ بر شمرد. با وجود این، در این بخش شاهد بودیم. در این فعالیت پیش از دسته‌بندی مشارکت‌کنندگان در گروه‌های کوچک‌تر، برای شرکت در کارگاه‌های گوناگون، مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها برای آنان ایراد شد. در سه سخنرانی درون‌دادهای نظری و روش شناختی کار مطرح شد. به شکل مشخص، سخنران سوم، سهیل عنایت‌الله روشی را توصیف و تبیین کرد که به فرایند سناریوسازی کمک می‌کرد. این



فرایند موجب تسهیل تقریبی آینده‌اندیشی در میان مشارکت‌کنندگان می‌شد. این روش‌شناسی‌ها در چهار عنوان اصلی و از این قرار موضوع بحث قرار گرفت:

۱- طغیان علیه ارزش‌های پذیرفته شده؛

۲- مهار بی‌نظمی اجتماعی؛

۳- کنترل آشوب سیاسی؛ و

۴- ارضای نیازهای فردی.

فعالیت سوم - تا جایی که به روش‌شناسی و فرایند مربوط می‌شد- بسیار مشخص بود. سهیل عنایت‌الله تسهیل‌گر<sup>۱</sup> اصلی بود؛ او فرایند و روشی را بیان کرد که موجب هدایت بحث شد و بر این منوال، مباحث، بر پایه‌ی آن پیش رفت. بر پایه‌ی فرایندی که به اختصار «مدسی‌تی»<sup>۲</sup> نامیده می‌شد، عنایت‌الله توانست مشارکت‌کنندگان را به سوی هدف دلخواه، یعنی آفرینش آینده‌های بدیل دانشگاه در افق بیست ساله، یعنی تا سال ۲۰۲۵ هدایت کند. دو فعالیت نخست قلمروهای زمانی ۲۵ و ۳۰ سال را در نظر گرفته بودند. به نظر می‌رسید، یک قلمرو زمانی بلندتر، به ویژه از نظر امکان‌پذیر ساختن ایجاد تغییر در رویدادها و توسعه‌ی روندها منطقی‌تر باشد. این فعالیت در راه مشارکت دادن جامعه‌ی دانشگاهی در نگرش واقع‌بینانه و سازمند به آینده به هدف خود و حتا فراتر از آن دست یافت. رهبری دانشگاه نیز در مسیری قرار گرفت که نیازها و چشمداشت‌های جامعه‌ی دانشگاهی از آینده را برآورده سازد و به طور مشخص برای دستیابی به خودتکایی، ساختار مسوولیت‌پذیر و نظارت بر تمامی جنبه‌های دانشگاه، بکوشد. پس از آن چنین ترجیحات و چشمداشت‌های مطلوبی از دانشگاهیان به شکلی ملموس‌تر، از جمله در احداث یک پارک دانش در نزدیکی پردیس دانشگاه مطرح شد. اما این پارک تنها یک پارک دانش معمولی نبود، بلکه کوششی از سوی دانشگاه برای بسترسازی فضایی فکری بود که می‌توانست میزبان نوآوری و آفرینش‌گری برای آینده‌ی پایدار دانشگاه و جامعه باشد. عبارت اختصاری SAINS@USM بیانگر تمایل دانشگاه در دستیابی به کیفیت در تمامی جنبه‌های حیات دانشگاهی، از حال تا آینده است. دانشگاه تعیین خواهد کرد که چگونه این فضای نوآوری را طراحی و تجهیز کند.

تمرین پایانی نوعی دوری‌گزینی از روش‌های به کار رفته در تمرین‌های سه‌گانه‌ی نخست را به نمایش گذاشت. نگاشت به شکل گسترده در سراسر این رزمایش به کار گرفته شد، اما متفاوت از روش به کار رفته در الگوی

<sup>1</sup> facilitator

<sup>2</sup> MADCT (mapping, anticipating, deepening, creating and transforming)



MADCT عنایت‌الله بود. در مقابل، نگاشت با بهره‌گیری از برنامه‌نویسی رایانه‌ای تسهیل شده بود، برنامه‌ای که از سوی آی‌اف‌تی‌اف برای کار در حوزه‌ی آینده‌اندیشی توسعه یافته بود. این برنامه از فرایندی چهار مرحله‌ای پیروی می‌کند: نگاشت جغرافیایی، ساختار نگاشت، خوشه‌ی ایده‌ها و گزینش مهم‌ترین ایده. در مقایسه با روش عنایت‌الله، این روش بر نقش راهبری تسهیل‌گر به عنوان شتاب‌دهنده و یکپارچه‌کننده‌ی مجموعه‌ی بحث، تاکید داشت. از دیدگاه مشارکت کامل مخاطب، دو فعالیت نخست هنوز کار زیادی برای انجام داشتند، در حالی که سطح مشارکت در دو فعالیت دیگر از بالا به پایین کاهش یافته بود و بار دیگر بستگی به میزان آفرینش‌گری و انگیزه‌ی تسهیل‌گر افزایش یافته بود. در ارتباط با توسعه‌ی سناریو، تنها فعالیت‌های دوم و سوم با این مقوله پیوند داشتند. فعالیت آی‌اف‌تی‌اف می‌کوشید هر آن چه را که مشارکت‌کنندگان مهم یافته بودند، در نظر بگیرد و آن‌ها را در موضوعات شناسایی شده به عنوان اولویت در نظر بگیرد. بر این قیاس، داشتن روشی مناسب برای اجرای چنین فعالیت‌هایی دلگرم‌کننده بود. می‌توان به آسانی خواسته‌ها و چشمداشت مشارکت‌کنندگان را استخراج کرد. سناریوها پیرامون آن چه که در دوره‌ی زمانی مشخصی دلخواه و مطلوب است، داستانی را روایت می‌کنند. سرشت و درونمایه‌ی داستان در بخش بعدی بررسی خواهد شد. الزامات و چشمداشت‌ها به گونه‌ای از سوی تسهیل‌گر مطرح شدند و بر این پایه در برهه‌ای برای برخورداری از مشارکت کامل، مورد حمایت قرار گرفتند.

#### ۴- روش‌های آینده‌های بدیل و چندگانگی ادراک: الگویی از تحلیل

آینده‌اندیشی به ما اجازه می‌دهد مفاهیم متفاوتی از دانستن را به چنگ آوریم و توجه ما را به آن چه که از آینده‌ی دور و نزدیک می‌خواهیم متمرکز می‌سازد. راس - لارسن (۱۹۷۸) این مساله موضوع را به مثابه شرایط پدیدارشناختی و کنونی روندها و موضوعات و آینده‌ی نظری سناریوهای بدیل توصیف کردند (راس - لارسن، ۱۹۷۸، ص ۶). درک آن چه که در حقیقت، مردم مالزی می‌خواهند، بر پایه‌ی دیدگاه دیتور<sup>۱</sup> در سه بخش دسته‌بندی می‌شود است: محتمل<sup>۲</sup>، ممکن<sup>۳</sup> و مرجح<sup>۴</sup> (دتیور، ۱۹۷۸، راس - لارسن، ۱۹۷۸، ص ۱۵۶). این مساله با مقوله‌ای پیوند دارد که بعدها آن را تصویرهای پنج‌گانه‌ای دانست که یک فرد می‌تواند از آینده داشته باشد: سنتی، توسعه‌ای، زیست‌شناسانه، تحول‌گرایانه و روحانی (در این حالت، فرد با مشاهده‌ی آن چه که به نظر می‌رسد بخشی از جهان

<sup>1</sup> Dator

<sup>2</sup> Probable

<sup>3</sup> Possible

<sup>4</sup> Preferable



واقعی است، به زحمت نمی‌افتد، زیرا این بخش‌ها به راستی در جهان واقعی وجود ندارند) (دیتور، ۱۹۷۸، ص ۱۵۳-۱۵۵). این دسته‌بندی پنج‌گانه بیشتر از حالت پیشین، یعنی «محتمل، ممکن و مرجح» راستین‌تر به نظر می‌رسد و همگی آن‌ها حالتی از نیازهای افراد یا چشمداشت‌های روشن از ترجیحات یا آرمان‌ها را در خود دارند. از دیدگاه دیتور، می‌توان از فردی انتظار داشت که در زمانی واحد بیش از یک تصویر از جهان آینده را در ذهن داشته باشد و شاید هر گاه که درباره‌ی آینده به گفت و گو بنشینیم، این تصاویر با یکدیگر در تضاد باشند. براین قیاس، برای مثال، چه بسا فردی دیدگاه‌هایی سنتی درباره‌ی زندگی خانوادگی، دیدگاه‌هایی توسعه‌ای درباره‌ی حیات اقتصادی و دیدگاه‌هایی تحول‌گرایانه درباره‌ی حیات سیاسی داشته باشد. دیتور معتقد است که این وضعیت می‌تواند ترسیم تصاویر آینده را دشوار سازد، زیرا مالزیایی‌ها ممکن است نیازهای متفاوتی داشته باشند و در هر برهه از زمان چیزی را بخواهند. شاید آن‌ها بخواهند به سنت‌های اسلامی وفادار بمانند و در همان حال، به ساختار اقتصادی و فناوریانه بسیار پیشرفته هم دست یابند (دیتور، ۱۹۷۸، ص ۱۵۶-۱۵۷).

هر چهار فعالیت پیش گفته، عناصری قطعی از نیاز را یا آن چه که مالزیایی‌ها از آینده می‌خواهند، در خود دارند، هر چند که شاید از نظر شدت گرایش است با یکدیگر متفاوت باشند. فعالیت یک نشان می‌دهد که نیازها را می‌توان در دو دسته جای داد: نیازهایی مانند حقوق اساسی و نیازهای اجتماعی - اخلاقی که برای تمامی مالزیایی‌ها مشترک هستند و می‌توان آن‌ها را در سه سطح به این شکل طبقه‌بندی کرد: ضروری، دلخواه و تجملی یا تشریفاتی. برای تعیین نیازها یا آینده دلخواه مالزیایی‌ها نیازمند الگویی هستیم که نیازهای متفاوت را مفهوم‌سازی کند. نگاشتی برای این هدف در سه فعالیت دیگر به کار رفت و توانست این نیاز را کم و بیش روشن سازد. با وجود این، روندهای گوناگون و توسعه و هم‌چنین نیازها و چشمداشت‌های متفاوت را باید در قالب آینده‌های بدیل معنادار یا سناریوهای آینده ترجمه کرد.

در فعالیت سال ۱۹۷۵ که به آن اشاره شد، آزمونی مشروح برای آن چه که می‌تواند آینده‌ی دلخواه و مطلوب مالزیایی‌ها باشد، انجام گرفت. اما این‌ها تنها توصیف‌هایی تک ساحتی از آینده‌ای هستند که تا سال ۲۰۰۱ انتظار آن می‌رفت (راس - لارسن، ۱۹۷۸، ص ۳-۱۳۸). در دیگر فعالیت‌ها شاخص‌های نیاز مرجح بودن و مطلوب بودن از تحلیل روندها و موضوعات در حال پیدایش استخراج شد که در حقیقت، به‌سازی فعالیت پیشین هستند. با بهره‌گیری از گذشته نگری این روندها و چشمداشت‌ها از نظر درستی در بوت‌هی آزمون قرار گرفتند (عنایت‌الله، ۱۹۹۵: دانشگاه سینز مالزی، ۲۰۰۷ ص ۳۷-۷۵). روش موثرتری در ارتباط با نقشه‌برداری از ترجیحات و انتظارات توسعه یافته است. در حقیقت، این روش روندها و توسعه‌ها را مانند چشمداشت‌ها و ارزش‌ها با دستیابی به نقطه‌ای



درز مان و موقعیتی معین، مشخص می‌سازد. در حالی که روش پیشین حالتی از ترجیحات را در خصوص یک موضوع معین در بر می‌گیرد (ترجیح ما درباره‌ی یک روند یا رویداد معین)، روش تازه گرایش نسبت به وقوع چنین ترجیحی را بر پایه‌ی ارزش‌ها و چشمداشت ما نشان می‌دهد. برای تعیین این که به راستی مالزیایی‌ها از آینده چه می‌خواهند، برخی از ترجیحات و تمایلات ما به مقوله‌های معینی که اغلب جمع‌بندی نیازهای مالزیایی‌ها است، با دقت نسبی در ادامه نشان داده می‌شود. محور افقی می‌تواند نمایشگر دامنه‌ی چشمداشت‌های ما باشد (که از چپ به راست حرکت می‌کند)، و از مطلوب‌های کم‌اهمیت‌تر تا مطلوب‌های پراهمیت‌تر را در بر می‌گیرد. محور عمودی نیز می‌تواند تغییر در ترجیحات ما را به سوی موضوعی معین (از بالا به پایین) نشان دهد و از مرجح‌ترین موضوع تا کم‌اهمیت‌ترین مقوله‌ی مرجح را در بر می‌گیرد. خطی که به صورت شیب‌دار از میان نمودار گذر می‌کند، بیانگر اوج‌گیری تدریجی مقیاس ترجیحات و تمایلات، یا به بیان دیگر از کمترین به بیشترین است. کاربرد الگوی موجود در نمودار یک در ادامه‌ی بحث روشن‌تر خواهد شد.

#### ۵- سال ۲۰۵۷، یکصدمین سالگرد استقلال مالزی: رقابت نیازها و چالش‌ها

پنجاه سال دیگر مالزی یکصدمین سالگرد استقلال خود را جشن خواهد گرفت. آن دوران نقطه‌ی عطف بزرگی خواهد بود و می‌توان نگاهی به گذشته و رویدادهایی داشت که تا آن هنگام روی داده است؛ اما پیش از آن که بتوان فرایند گذشته‌نگری را انجام داد، نیازمند مشخص ساختن برخی از رویدادهای جالب و چشم‌گیر، پیشرفت‌ها، موضوعات و روندهایی هستیم که بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۵۷ رخ داده‌اند.

بر پایه‌ی نتایج آخرین انتخابات عمومی در ۸ مارس ۲۰۰۸، می‌توانیم بگوییم که مردم مالزی تصمیم خود را گرفته‌اند و به نظر می‌رسد که فهرست خرید خود را تدوین کرده‌اند. از دیدگاه یک آینده‌پژوه، بدون تردید، مسایلی از این دست، نمونه‌های از روندهای در حال پیدایش هستند که بر سال‌های آینده تاثیر خواهند گذاشت. در مجموع، می‌توان گفت این روندها در بردارنده‌ی مقوله‌هایی مانند نیازهای اجتماعی - اخلاقی به عنوان الگوی گسترش مردم‌سالاری در اداره‌ی کشور، نظام سلطنتی بازسازی شده، رسانه‌های صریح‌تر، صورت‌بندی برابر برای توزیع ثروت و چشم‌اندازی جهانی‌تر و توجه به نیازهای بنیانی اقتصاد، آموزش و محیط زیست است. در ارتباط با مورد آخر، اینک روشن شده است که دستیابی دولت ملی "باريسان" به اکثریت سیاسی، موجب افزایش بهای کالا و خدمات موردنیاز مردم شده است و عامل واقعی یا نه چندان واقعی کاهش فرصت‌های آموزشی برای همگان و استانداردهای دوگانه‌ای



بوده است که در موضوعات مدیریت زیست محیطی، به ویژه توسعه‌ی منابع طبیعی مشاهده می‌شود. اما بدون تردید، در پنجاه سال آینده پیش‌بینی‌های تغییر و چالش‌های عمده فراروی کشور که اغلب خارجی هستند، این عوامل را در بر خواهند گرفت: نیروی در حال رشد اسلام، نیروی کار خارجی مهاجم، رابطه‌ی ویژه با چین و رابطه‌ی اقتصادی سه جانبه میان بانکوک، برونی و سنگاپور با پیامدهایی که هنوز ناشناخته هستند و اقتصاد مالزی را تحت تاثیر قرار خواهند داد. با وجود این قبیل عوامل خارجی، بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد که مالزی بتواند بر این مسیر تاثیر عمده، به غیر از خرده‌کاری‌های دیپلماتیک داشته باشد و اعتبار چشم‌انداز جهانی بالای خود را متاثر سازد. با وجود این، در مورد پیش‌بینی که اغلب در دایره‌ی تاثیر انگیزه‌های داخلی بود و به همین سبب، درون - پایه نامیده می‌شود، پی بردن به ژرفای چشم‌داشت‌ها و خواسته‌های مردم کار دشواری است.

همان‌گونه که پیش از این نشان داده شد، مجموعه‌ی ساختار اشتراکی جامعه که سرشار از تضادها و تنش‌ها است، هر گونه تلاش برای عمومی سازی روندها یا رویدادهای در حال پیدایش را بی‌معنا می‌سازد و بر این پایه، کار ما در زمینه‌ی آفرینش سناریوهای آینده‌های بدیل را شگفت‌انگیزتر و چالش برانگیزتر خواهد ساخت. ما نیازمند توصیف و تعیین جداگانه‌ی نیازها برای نژادها و گروه‌های قومی گوناگون در کشور هستیم تا کار خود را با آن آغاز کنیم که کاری ناشدنی به نظر می‌رسد، به ویژه با در نظر گرفتن مسایل گوناگونی که فراروی گروه‌های قومی، از جمله نیروی کار خارجی موجود در مالزی قرار دارد. ما در رویارویی با تمامی این مسایل، چه بسا در وهله‌ی نخست نیازمند اطمینان یافتن از گمانه‌هایی باشیم که در باره‌ی مسایل یاد شده، مطرح می‌سازیم و در وهله‌ی دوم باید فهرستی از روندها و چشم‌داشت‌ها را بررسی کنیم که هنوز انتظار داریم مسیر آینده را شکل بدهند.

آن چه در ادامه می‌آید، تلاش برای تدوین نگاشتی از روندها و چشم‌داشت‌های مردم مالزی در سال‌های آینده است. در واژه‌شناسی آینده‌اندیشی از این فعالیت‌ها با عنوان «تحلیل موضوعات در حال پیدایش»<sup>۱</sup> و «تحلیل روند دور دوم»<sup>۲</sup> یاد می‌شود (دانشگاه سینز مالزی، ۲۰۰۹ ص ۲۵-۲۷). عبارت دوم برای پیش‌بینی «پیامدهای پیامدهای»<sup>۳</sup> یک روند یا چشم‌داشت معین ضروری است. برای سنجش اعتبار گمانه‌های مطرح شده، هر از چندگاهی کارشناسی آینده‌پژوه مسایل زمینه‌ای را توصیف خواهد کرد که موجب آشفتگی در جریان یا گسترش روندها و چشم‌داشت‌ها خواهد شد (میلر، ۲۰۰۳). ما با بهره‌گیری به این اطلاعات می‌توانیم فرایند خلق سناریوهای آینده‌های بدیل برای

---

<sup>1</sup>.Emerging Issues Analysis

<sup>2</sup>.Second-order Trend Analysis

<sup>3</sup>.Consequences of the consequences



کشور را آغاز کنیم. اطلاعات موجود را می‌توان در قالب جدولی (که در ادامه خواهد آمد) ارایه کرد که برگرفته از همان محورهای مرجح و مطلوب بودن است که بیشتر به آن اشاره شد.



## جدول یک - تحلیل روندها و چشمداشت‌ها

چشمداشت‌ها	روندها
<b>دلخواه‌ترین</b>	<b>مطلوب‌ترین</b>
فرصت‌های برابر برای همگان پیاده‌سازی	کیک اقتصادی بزرگ شده است
نظام یک سوپه	فرصت‌های آموزشی برای همگان موجود است
هماهنگی منطقه‌ای بهتر	توازن زیست محیطی پایدار شده است
<b>پیامدهای دور دوم</b>	<b>پیامدهای دور دوم</b>
دولت مقتدر و مردمی بر سر قدرت است	اقتصاد جهانی با ثبات شده است
مالزی متحد محقق شده است	چهره‌ی جهانی مالزی بهبود یافته است
رهبری منطقه‌ای مالزی تداوم یافته است	تمرکز جهان حفظ شده است

آن چه که از جدول بالا روشن می‌شود، این واقعیت است که در راه آفرینش سناریوهای آینده برای کشور، نیازمند گمانه‌زنی‌های پرشمار بر پایه‌ی روندها و چشمداشت‌های مطرح شده هستیم. پرسش‌هایی که ما نیازمند طرح آن‌ها هستیم، در بردارنده‌ی این موارد خواهد بود و در برگیرنده‌ی قلمروهای اقتصاد، آموزش و زیست‌بوم است. تمامی این قلمروها شناسایی شده و در چهار فعالیت پیش گفته، بررسی شده‌اند:

۱- احتمال آن که مالزی دست کم به یک رهبر در حوزه‌های اقتصادی، آموزش و زیست محیطی تبدیل شود، چه اندازه است؟

۲- مالزی چه رابطه‌ی ویژه‌ای را می‌تواند با چین در سه قلمرو اقتصاد، آموزش و محیط زیست تشکیل دهد؟

۳- چه ناپیوستگی‌هایی را می‌توان از ۹ چالش واواسان<sup>۱</sup> (چشم‌انداز) ۲۰۲۰ انتظار داشت؟

برای پرسش یکم گزینه‌ی موجود در میان سطح بالا یا پایین قرار دارد. در ارتباط با پرسش دوم باید درباره‌ی مبنای مرجح بودن در سه سطح بالا، میانه و پایین تصمیم گرفت. درباره‌ی پرسش سوم، باید پاسخ با در نظر گرفتن مثبت یا منفی بودن چالش‌ها آماده شود. اگر در راه پاسخ به این پرسش‌ها از روش پیشین استفاده می‌شد، انتظار می‌رفت

<sup>۱</sup>. Wawasan



که بتوانیم هر ۹ چالش را تا سال ۲۰۲۰ و فراتر از آن پاسخگو باشیم. با وجود این، اگر روش تازه بع کار گرفته شود، در آن صورت از هدف اصلی اندکی عقب خواهیم ماند و شاید ۵ یا ۶ چالش از ۹ چالش موردنظر را پاسخگو شویم.

## ۶- آفرینش سناریوهای آینده‌های بدیل برای مالزی در سال ۲۰۵۷

پیش از حرکت به سوی آفرینش سناریوهای آینده‌های بدیل برای سال ۲۰۵۷، هنوز یک کار ناتمام باقی مانده است: «زمینه‌سازی». این اصطلاح به توصیف عنصری اشاره دارد که دربردارنده‌ی حالتی از احتمال یا مطلوب بودن در چارچوب داستان سناریو است و هدف آن، ساخت سناریوهای راهبردی برای آینده است. هنگامی زمینه‌سازی ضروری است که ما بخواهیم سناریوها را برای چندین روند و چشمداشت بیافرینیم. در این ادبیات آینده‌پژوهی، چنین سناریوهایی مرکب یا پیچیده نامیده می‌شوند و در برابر سناریوهای ساده قرار دارند. سناریوهای ساده تنها به دنبال در بر گرفتن ترجیحات ارزش‌مدار یا روندها هستند (میلر، ۲۰۰۳). زمینه‌ای که ما در این نمونه در نظر داشته‌ایم، ارتباط نقش چین در ارتقا یا مخدوش‌سازی نقش آینده‌ی مالزی به عنوان رهبر منطقه‌ای در زمینه‌های اقتصادی، آموزشی و زیست‌محیطی است. از این دیدگاه می‌توانیم ماتریسی از سناریوهای آینده‌های بدیل را به این شکل تدوین کنیم:

جدول ۲- سناریوهای آینده‌های بدیل برای مالزی در سال ۲۰۵۷ (FS = سناریوهای آینده)

مالزی		رهبری اقتصادی		رهبری آموزشی		رهبر	
زیست‌محیطی							
آرمان‌های دلخواه <<<		منطقه‌ای		منطقه‌ای		منطقه‌ای	
منطقه‌ای							
پایین		بالا		پایین		بالا	



-	-	-	مطلوب بودن
			v
			v
-	-	-	v

#### رابطه چین

FS 6	FS 5	FS 4	FS 3	FS 2	FS 1	بالا
FS 12	FS 11	FS 10	FS 9	FS 8	FS 7	میانه
FS 18	FS 17	FS 16	FS 15	FS 14	FS 13	پایین

از جدول بالا مجموع ۱۸ سناریوی آینده را می‌توان برای مالزی در سال ۲۰۵۷ استخراج کرد. این سناریوها جنبه‌هایی از مرجح بودن برای مالزی را در بر می‌گیرند که شامل رابطه‌ی نزدیک‌تر با چین و مطلوب‌بودن ادامه‌ی مسیر تبدیل شدن به رهبر منطقه در حوزه‌های اقتصادی، آموزش و زیست‌محیطی است. تمامی سناریوهای متفاوت که روی هم رفته ۱۸ سناریو را شامل می‌شوند، از جدول ۱/۲ قابل استخراج بوده و می‌توان آن‌ها را زیر یا روی خط میانه‌ی موجود در نمودار ۱/۱ قرار داد. ما می‌توانیم از این ۱۸ سناریو، سه گروه سناریوی محتمل، ممکن و مطلوب را استخراج کنیم. سناریوهای مطلوب آینده را نیز می‌توانیم در سه قلمرو عمده‌ای که شناسایی کرده‌ایم، دسته‌بندی کنیم.

#### جدول ۳- دسته‌بندی سناریوهای آینده‌های بدیل (اعداد به سناریوهای آینده اشاره دارد)

دسته‌بندی بر پایه نوع	انواع سناریوهای آینده
۱۲، ۱۰، ۸، ۶، ۴، ۲	محتمل
۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷	ممکن
۱۴، ۷	مرجح
۱۶، آموزش	
۱۸، ۱۱	زیست‌شناسی



## ۷- نتیجه‌گیری

مباحث پیش‌گفته ما را قادر ساخت که ۱۸ تصویر از آینده‌ی مالزی را برای سال ۲۰۵۷، یعنی ۵۰ سال آینده ترسیم کنیم. نکته‌ای که در این میان درخور یادآوری است، آن است که مالزیایی‌ها امیدوارند کشورشان همچنان در عرصه‌های اقتصادی، آموزشی و زیست‌شناسی در منطقه به عنوان یک رهبر باقی بماند و برای تحقق این آرمان نیازمند رابطه با چین هستند که در حال خیزش است.

این مقاله در تلاش برای توصیف آن چه که به راستی مالزیایی‌ها می‌خواهند، این نتیجه‌گیری را ارائه می‌دهد. آگاهی یافتن (آن هم با اطمینان بالا) از آن چه که در حقیقت، مالزی خواستار آن است، همیشه دشوار است. نیازها و چشمداشت‌های مالزی همواره در حال تغییر خواهند بود و ما ذهن و قلب خود را به جنگ با یکدیگر وامی‌داریم تا به ما بگویند اولویت‌های امروز، فردا و آینده‌ی ما کدام هستند.

بخشی از این تغییر به دلیل آن است که ما هرگز از ارزش‌های خود اطمینان نداریم. در نتیجه، زیر فشار گزینه‌هایی هستیم که هرگز در زمان واحد نمی‌توانیم آن‌ها را انتخاب کنیم. بر این پایه است که واکنش ما متهم ساختن نظام و محیط است. نیمه‌ی دیگر مشکل هنگامی شکل می‌گیرد که ما تصور می‌کنیم تصمیم گرفته‌ایم، اما در حقیقت، تنها فهرست آمال خود را در یک برهه زمانی تنظیم کرده‌ایم. ما می‌کوشیم ذهن خود را منسجم کنیم تا به یک تصمیم برسیم و انجام چنین کاری در میانه‌ی تمامی دیگر وقفه‌هایی که در زندگی خود داریم، کار دشواری است.

اگر نتایج انتخابات عمومی اخیر (دوازدهمین انتخابات که ۸ مارس انجام شد) در مالزی بتواند کمکی به فهم این موضوع کند، می‌توانیم برای فهم این مساله بکوشیم که مالزیایی‌های در حقیقت چه می‌خواهند. به اختصار آرزوهای آن‌ها شامل مسایلی از این قبیل است: نظام کنونی دولت ائتلاف ملی (باريسان ناسیونال)<sup>۱</sup> که در آستانه‌ی تغییر قرار دارد، به رسانه‌های نوین باید فضای بیشتری را برای رشد بدهد، اندازه‌ی کیک اقتصادی را نمی‌توان بیش از این افزایش داد، مگر آن که پا به پای اقتصاد جهان به پیش رود و فرصت‌های آموزشی باید به شکل گسترده در اختیار مالزیایی‌ها قرار داده شود و تنها به خارجی‌ها اختصاص نیابد. اما روندهای موجود که بر اثر انتخابات دوازدهم روشن شدند، جالب‌تر هستند؛ این روندها دربردارنده‌ی مسایلی از این دست می‌شوند: صریح‌تر شدن خاندان سلطنتی، فراخوان تغییر در تمامی اعضای حزبی دولت حاکم، آغاز تغییر در دو حزب ساراواک<sup>۲</sup> و صباح<sup>۳</sup> که مدیون قدرت

<sup>۱</sup>. Barisan Nasional

<sup>۲</sup>. Sarawak

<sup>۳</sup>. Sabah



نوبنیاد خود و بر همین قیاس، علاقمند به کارگیری این قدرت هستند و سرانجام نقش‌های وارونه‌ی تلاطم افکنی روانی برای احزاب مخالف.

سرانجام تمامی این مسایل بر جامعه و سیاست مالزی تاثیر خواهند گذاشت. پیامی که به سراسر جهان مخابره شده، این است که مالزیایی‌ها در حقیقت نمی‌دانند چه می‌خواهند. نتایج انتخابات دوازدهم نشان دهنده‌ی نیازها و چشمداشت‌های مردم مالزی از حال یا آینده نیست. پس از پنجاه سال، اینک تنها می‌توانیم گوشه‌ای از دامنه‌ی نیازهای مالزی را مشاهده کنیم، حال آن که این نیازها آشکارا تبیین نشده‌اند. این شفاف‌سازی برای هر دولتی که بر سر قدرت باشد، اقدامی ضروری به شمار می‌آید. در حال حاضر، دست کم تصویر پدید آمده نشان می‌دهد که در حقیقت مالزیایی‌ها در حاشیه‌ی جهان قرار گرفته‌اند و سایه‌ای از خود و زندگی واقعی خود را در بیم و امید را پنهان ساخته‌اند.

نمونه‌هایی از این دست فراوان هستند. بگذارید نگاهی به اقتصاد داشته باشیم: چه چیزی در سیاست نوین اقتصادی مالزی، تازه است؟ در جریان رشد در حقیقت چه چیزی در حال رشد است؟ چرا طرح چشم‌انداز مشخص باید همچنان به عنوان طرح مشخص باقی بماند و این طرح باید دیدگاه چه کسانی را تشکیل دهد؟ و از نظر دالان‌های اقتصادی<sup>۱</sup> چرا نباید توسعه در مناطق واقعی به جای دالان‌ها روی دهد؟ به اختصار باید گفت، تمامی این (به ظاهر) اقدام‌ها را باید در واقعیت دید، اما این اقدام‌ها خود واقعیت نیستند. آیا مالزیایی‌ها توانایی تشخیص واقعی از غیر واقعی را از دست داده‌اند؟

پنجاه سال آینده برای تمامی مالزیایی‌ها هنگامه‌ی آزمون خواهد بود.

---

<sup>1</sup> .Economic Corridors

